اعتبار سنجی کتب مقاتل امام حسین علیه‌السلام

سید محمدکاظم طباطبایی [1] ـ سید حمید موسوی [2]

چکیده

منابع نگارش یافته درباره مقتل امام حسین علیه‌السلام به جهت اعتبار و دقت در نقل و تحلیل یکسان نیستند و می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی قابل استناد و ضعیف تقسیم کرد. دسته دیگری به نام منابع مفقود نیز وجود دارد که تنها در کتب فهرست به آن‌ها اشاره شده است و هر چند برخی اخبارشان به کتاب‌های دیگر راه یافته است، اکنون به آن‌ها دسترسی مستقیم وجود ندارد. این نوشتار کوشیده است تا ضمن گونه شناسی منابع یاد شده، به معرفی و سنجش مهمترین آثار متقدم و متأخر در حوزه مقتل نگاریِ امام حسین علیه‌السلام بپردازد و با نقد آثار غیر معتبر و ضعیف، تلاش‌های صورت گرفته در تدوین مقتل نگاری‌های جامع را تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌شناسی امام حسین علیه‌السلام، کتب مقتل، مقتل مستند، مقتل ضعیف.

۱. مقدمه

یکی از پرسش‌های مهمی که مورد توجه‌اندیشمندان دینی قرار دارد، حقیقت واقعه کربلا و عاشورای سال ۶۱ .ق و میزان تطبیق آن با نوشته‌ها و خطابه‌هاست. گفتگو در خصوص این حادثه بزرگ، بیش از آن که مقوله‌ای تاریخی، کلامی، فقهی، اخلاقی و در

---

۱ . استادیار دانشگاه قرآن و حدیث. tabakazem@gmail.com

۲ . کارشناسی ارشد علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث.

یک کلمه، علمی و معرفتی باشد، برای گروهی وسیله ارتزاق و کسب اعتبار با تحریک احساس محبت مردم شده است، اما این مسئله برای اندیشه‌گر دردمند دینی به راحتی پذیرفته نیست، چون پایه‌های باورهای مذهبی را نشانه می‌رود و بنیاد آن را در هم می‌ریزد.

بیشترین سخنان بی پایه و سستی که در اطراف حادثه کربلا در مجالس و حتی در نوشته‌ها راه یافته، ناشی از عدم درک تاریخی بودن واقعه از یک سو، و ابتنای فهم آن بر منابع مربوط از دیگر سوست. تحریف‌های پدید آمده در گزارش‌های مربوط به وقایع عاشورا، ریشه در دور شدن از حوزه علمی و روش مطالعه تاریخی و مستند گزارش‌ها و منابع مورد استفاده دارد.

مضاف بر اینکه بیان وقایع مربوط به امام حسین علیه‌السلام از آنجا که در حقیقت حکایت قول، فعل و تقریر معصوم علیه‌السلام است، حدیث محسوب می‌شود (ر.ک: بهایی،۱۴۲۹:۲۱) و دقت در آن بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که هر گونه بیان خلاف واقع و غیر مستند، منجر به دروغ بستن به آن ذوات مقدسه علیهم‌السلام خواهد بود و اثری وضعی در اعمال و احکام شرعی و... دارد.

توجه به استناد گزارش‌ها، نیازمند تتبع و درایت است و می‌بایست محققین در این زمینه، بعنوان یک راوی دقیق و شایسته عمل کنند. فلذا، از مهمترین اموری که می‌بایست در این عرصه انجام گیرد شناسایی، معرفی و ارزیابی منابع متقدم و متأخری است که بطور خاص به واقعه شهادت امام حسین علیه‌السلام اختصاص داده شده است. در این نوشتار سعی بر آن است تا نسبت به این مهم گام برداشته و با درنظر داشتن استنادات روایی و تاریخی، منابع مستند و ضعیف، شناسایی و معرفی گردد.

۲. گونه شناسی کتب مقاتل

منابع مربوط به واقعه کربلا و مقاتل الحسین علیه‌السلام، در اعتبار و دقت در نقل و تحلیل یکسان نیستند و می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی قابل استناد و ضعیف تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی در کتاب‌های در دسترس قابل انجام است؛ اما دسته دیگری به نام منابع

مفقود را نیز باید در نظر داشت، منابعی که تنها در فهرست‌ها به آن‌ها اشاره شده و اکنون به آن‌ها دسترسی مستقیم نداریم، هر چند برخی اخبارشان به کتاب‌های دیگر راه یافته است.

بنابراین با سه گروه، منبع مواجه‌ایم: ۱- منابع قابل استناد ۲- منابع غیر قابل استناد ۳- منابع مفقود.

۱.۲. منابع قابل استناد

منابع قابل استناد، مآخذی هستند که هویت تاریخی داشته و مؤلفانشان، معلوم، سرشناس و از عالمان روشمند بوده‌اند، هرچند لازم است نگاه نقادانه و علمی نیز در بررسی و قبول روایات ایشان مورد نظر قرار گیرد.

منابع متعدد و مستندی از پنج قرن نخست وجود دارد که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته‌اند. این منابع را می‌توان به دو دسته مستقل و مشتمل تقسیم نمود: منابعی که ویژه گزارش دهی واقعه کربلاست و منابعی که تنها بخش‌هایی از آن، درباره قیام امام حسین علیه‌السلام است (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۷). گفتنی است این منابع از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند، اما قابلیت استناد را دارند و بوسیله پژوهش‌های روشمند، قابل بررسی و پذیرش هستند.

۲.۲. منابع غیرقابل استناد

مبنای کار در سنجش اعتبار و سندیت کتاب‌های نوشته شده در دوره‌های بعد، همین منابع کهن، در کنار حفظ معیارهای نقد متون و اسناد تاریخی است. بر این اساس، منابعی که گزارش‌های خود را نقادی نکرده و آن‌ها را با منابع اصلی تاریخی، برابر ننموده و یا به تعارض آن‌ها با سیره و شخصیت امام حسین علیه‌السلام و یارانش توجه نکرده‌اند، دچار ضعف گشته و از گردونه استناد خارج می‌شوند.

با گذشت زمان و دورتر شدن از اصل واقعه، انتظار تغییر و تحریف بیشتر می‌شود، و این نکته‌ای است که قاعده لزوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک‌تر به واقعه عاشورا را مدلّل می‌سازد.

نقـد در ایـن عرصـه، متوجـه کتـاب و محتـوای آن اسـت و بـه نویسـنده و گردآورنـده آن ارتبـاطی نـدارد. چـه، برخـی از مؤلفـان کسـانی هسـتند کـه از روی ارادت و بـا توجـه بـه گزارش‌های بدون استناد، مجعول و شفاهی، در عرصه‌ای قلم زدند که تفاوت زیادی با اندوخته‌های علمی آن‌ها مانند فقه و تفسیر قرآن دارد.

پیـدایش سـبک داسـتان پـردازی و مخاطـب محـور از واقعـه عاشـورا باعـث شـد، تـا گزارش‌های مجهول و مجعول، با جعل اصطلاح «زبان حال» وارد ادبیات عاشورایی شود و برای بسیاری تبدیل به «زبان قال» گردد. این گزارش‌ها به کتاب‌ها راه یافت و از سوی برخی که میان منابع کهن و معتبر، با کتاب‌هایی که قرن‌ها بعد، به نگارش درآمده تفاوتی نمی‌نهند، به صورت یک سند تاریخی و قابل ذکر درآمد.

این‌ها، همه، افزون بر اشتباه‌های ناخواسته انسانی است که در نقل‌های تاریخی پیش می‌آید، مانند خطای حافظه در نقل شفاهی و خطای باصره در هنگام نوشتن و قرائت نسخه‌ها، بویژه اگر نسخه مغلوط یا بدخط باشد. در نهایت پی‌یابی جریان نقل این گزارش‌ها، منابعی را بدست می دهد که سرچشمه ورود این ادبیات تخیّلی و بدون پشتوانه تاریخی، به جریان گزارش حماسه کربلاست.

۳.۲. منابع مفقود

در تقسیم بندی اولیه منابع مربوط به وقایع عاشورا گفته شد که منابع قابل استناد و ضعیف، در کتاب های موجود قابل بیان و بررسی است، اما دسته دیگری به نام منابع مفقود را نیز باید در نظر داشت. منابعی که تنها در کتب فهرست اشاره شده و اکنون به آن‌ها دسترسی مستقیم نداریم، هر چند برخی اخبارشان به کتاب‌های دیگر راه یافته است.

از جمله منابع مفقود، که فقط در کتاب‌های فهرست نام برده شده و برخی متقدمین از آن‌ها بهره برده و در آثارشان اثر این تصانیف دیده می‌شود، می توان به دو کتاب *مقتل* اصبغ بن نباته(م بعد از ۱۰۰ق) و *مقتل* جابربن یزید جعفی(م سال ۱۲۸ق) (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا:۲۲، ۲۳ و ۲۴) اشاره کرد. با توجه به اینکه تاریخ وفات راویان این دو کتاب،

در اوایل قرن دوم هجری است، از حیث زمانی بر همه منابع موجود، مقدّم است و چون می‌توانستند با حاضرین و راویان در وقایع عاشورا ملاقات داشته باشند، از اعتبار بیشتری برخوردار بوده‌اند.

این دسته از منابع، مهم و بازیابی آن‌ها در مستندسازی و اعتبارسنجی گزارش‌های واقعه کربلا، بسیار تأثیرگذار است.

۳. منابع مستند و قابل اعتماد

در ادامه نوشتار براساس تقسیم بندی منابع مربوط به واقعه عاشورا، تعدادی از مهمترین مقاتل معتبر و قابل استناد، معرفی می‌گردد.

۳.۱. *مقتل ابومخنف*

لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی کوفی(۷۰ -۱۵۸ق)، (ر.ک: نجاشی،۱۴۱۸: ۳۲۰) از پایه گذاران تاریخ نگاری مسلمانان و از اصحاب امام صادق علیه‌السلام و به احتمال زیاد شیعه است. وی نه تنها در موضوع مقتل الحسین علیه‌السلام بلکه در بیشتر موضوعات تاریخی صدر اسلام نوشته‌هایی دارد که منبع مهمی برای همه تاریخ نگاران بوده است. او مقبول مورّخان فریقین است و از این رو تاریخ نگاران و سیره نویسان متعدد از کتاب او درباره قیام امام حسین علیه‌السلام نقل کرده‌اند (ر.ک: ابومخنف،۱۴۱۷: ۹).

متأسفانه اصل کتاب ابومخنف نایاب شده و ما تنها می‌توانیم از جمع‌آوری گزارش‌های مورخان، به بخشی از کتاب او دست یابیم. در دوره معاصر آقای حسن غفاری و محمد هادی یوسفی غروی به این کار همّت گماشته و آن بخش از کتاب ابومخنف را که طبری در تاریخ خود گزارش کرده، گردآوری و با نام‌های «*مقتل الحسین*» و «*وقعه الطّف*» منتشر ساخته‌اند.

در سده‌های اخیر و پیش‌تر از این دو کتاب به نام *مقتل ابی‌مخنف* در هند و سپس در ایران، منتشر شد که دلیلی بر صحّت انتساب آن به مؤلف در دست نیست و تفاوت فراوان و آشکار مطالب آن با نقل طبری از ابومخنف، نشان دهنده نادرستی این انتساب است. دلیل دیگر، وجود برخی مطالب موهن به شخصیت بزرگوارانه امام حسین علیه‌السلام

است که تألیف آن‌ها از نویسنده‌ای مشهور و موثّق همچون ابومخنف، بسی بعید است؛ این موضوع موجب شد تا بسیاری از محدثان، مورخان و کتابشناسان، پس از تأیید ابومخنف و کتاب اصلی او، کتاب چاپ شده مذکور را بی‌اعتبار و غیرقابل استناد بدانند. از این میان می‌توان به محدّث نوری(ر.ک: نوری، بی تا: ۱۵۶)، محدث قمی(ر.ک: قمی، ۱۴۲۱: ۱۰؛ و نیز قمی، ۱۴۲۹: ۱ ، ۱۹۹)، سید عبدالحسین شرف الدین (ر.ک: شرف الدین، بی تا: ۴۱) اشاره کرد.

اولین ویژگی ابومخنف این است که مقتل خود را به روش محدثان و با ذکر سند (روش نقلی) نگاشته؛ یعنی همه مطالب به صورت روایت مستند و از حاضران در صحنه نقل شده است. برخی از گزارش‌های ابومخنف برگرفته از خبرهای افرادی بوده که در جریان عاشورا حضور داشتند و وظیفه رساندن خبر به حکومت را داشتند؛ یعنی، به عنوان تاریخ نگار یا کاتب به آن جا اعزام شده بودند. برخی هم مربوط به افرادی است که در آن واقعه حضور داشتند و هم در سپاه دشمن و هم در سپاه امام حسین علیه‌السلام رفت و آمد داشتند و یا این‌که بی‌طرف بودند و گزارش‌ها را نقل می‌کردند. مجموعه گزارش‌های ابومخنف از این منظر گزارشی دسته اول و شایسته محسوب می‌شود.

دومین ویژگی این مقتل، رعایت اصول گزارش‌نویسی است. در سراسر گزارش‌ها نکته‌ای یافت نمی‌شود که دلالت بر طرفداری او از امام علیه‌السلام یا یزید کند. هر چه در این مقتل وجود دارد، سخن راویان است و او از خود چیزی ندارد، حتی اگر در بعضی موارد درباره مطلبی اختلاف بوده، او بدون ترجیح یک گزارش، هر دو قول را آورده است (ر.ک: طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۱۳).

سومین ویژگی این مقتل، تفصیلی بودن، تنظیم و ترتیب دقیق(از حیث زمانی) وقایع است. تمام خطبه‌های امام حسین علیه‌السلام، متن نامه‌ها و گفتگوهای ایشان که در مدینه، مکه، مسیر راه تا کربلا و در کربلا صورت گرفته، روایت شده و تاریخ از این حیث، مدیون وی است.

آخرین ویژگی این‌که بسیاری از گزارش‌های مستبعدی که از نظر عقلی پذیرش آن‌ها دشوار است، در این مقتل وجود ندارد. پس این مقتل از جهت مستند بودن، نزدیک بودن

به زمان حادثه، خالی بودن از دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و کلامی و نیز مطالب غیر قابل باور، قوی‌ترین، دقیق‌ترین و مفصل‌ترین روایت از واقعه عاشورست و با بی‌طرفی کامل و منصفانه روایت شده است.

۲.۳. *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*

شیخ مفید(۳۳۶-۴۱۳ هـ.ق) (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۹۹-۴۰۳)، یکی از برجسته‌ترین عالمان شیعه و رئیس مدرسه کلامی و حدیثی دوم شیعه در بغداد است. از جمله تألیفات فراوان شیخ مفید کتاب *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد* است که در سال ۴۱۱ هـ.ق (ر.ک: مفید، ۱۳۷۲: ۳) و در شرح حال اهل بیت علیهم‌السلام نگاشته شده است.

شیخ مفید این کتاب را در پاسخ به پرسش بعضی از شیعیان درباره واقعیت و حقیقت تاریخ ائمه علیهم‌السلام نوشته است که براساس روایات معتبر و مستند تدوین شده است (ر.ک: همان: ۴). این کتاب در یک مقدمه و دوازده باب تنظیم شده است؛ هر باب از کتاب به ترتیب با نام یکی از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مزیّن شده و در ذیل هر باب، عناوین مختلف مربوط به مسائل تاریخی عام(حوادث مسلمانان)، مسائل تاریخی هر امام(ولادت، سرگذشت و شهادت)، فضایل، اصحاب، کلمات، خطبه‌ها و اولاد آمده است.

این کتاب دارای ویژگی‌های با اهمیتی است که آن را از کتاب‌های تاریخی مشابه ممتاز می‌سازد:

۱. علاوه بر حدیثی بودن متن آن، توضیح‌ها و تبیین‌هایی نیز در کنار احادیث مطرح شده است که از جهات مختلف شایان توجه است.

۲. از نظر رجالی، به زندگی‌نامهٔ برخی از شاگردان مهم امامان علیهم‌السلام نیز پرداخته است.

۳. کتاب از نظر محتوا علاوه بر ابعاد تاریخی، مطالبی در حدیث، رجال و عقاید را در بردارد.

۴. اعتبار احادیث این کتاب به سبب پذیرش و نقل از جانب شیخ مفید افزون شده

است.

۵. این کتاب به عنوان یکی از مهمترین منابع شناسایی و بازخوانی تاریخ صدر اسلام است و شاگردان شیخ مفید از سیدمرتضی، شیخ طوسی و ابوالفتح کراجکی تا ابن‌حجر عسقلانی و ابن‌جوزی کتاب را به عنوان منبع دست اول برشمرده‌اند و مطالب آن را نقل و مورد استناد خویش قرار داده‌اند.

۶. الهی بودن منصب ولایت معصومین علیهم‌السلام در این کتاب بوسیله شیخ مفید اثبات شده است.

این کتاب به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه‌اش در موضوع خود مورد توجه همگان است. چنان‌چه شرح‌ها، خلاصه‌ها و ترجمه‌های قدیم و جدید برآن نوشته شده است.

شیخ مفید در فصل مربوط به امام حسین علیه‌السلام (ر.ک: همان: ۲، ۲۷ -۱۳۶)، پس از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، بیشترین حجم کتاب خود را به شرح زندگی امام علیه‌السلام و واقعه عاشورا اختصاص داده است. شیوه شیخ در کتاب، نقل مستند و مسند حوادث نیست، هرچند در برخی روایات شیخ به ذکر اسناد پرداخته است ولی منسجم و بدون نقل اسناد روایات بیان شده است.

او گزارش واقعه کربلا را از هشام سائب کلبی (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۸: ۴۳۴) و مدائنی و افرادی غیراز این بیان کرده است (ر.ک: مفید، ۱۳۷۲: ۲، ۳۲). در واقع همان گزارش‌های ابومخنف را از هشام کلبی آورده و با چینش و دقت در گزارش‌ها، یک متن منضبط با روال و روند مشخص ایجاد کرده است. با مطالعه و بررسی اجمالی گزارش شیخ مفید این نکته روشن می‌شود که در بیشتر موارد، گزارش‌های *تاریخ طبری*(که آن کتاب نیز گزارش‌های ابومخنف را دارد) با حذف اسناد و رعایت اختصار آورده شده است. این نکته با مقایسه گزارش‌های وی و طبری که با ذکر سند آورده شده قابل پیگیری و اثبات است. نکته شایان توجه در گزارش‌های شیخ مفید، افزوده‌هایی است که در تاریخ طبری نمی‌توان یافت.

شیخ مفید در *الارشاد* دو مورد از ابومخنف نام برده است که در غیر واقعه عاشورا است (ر.ک: همان: ۱، ۱۷؛ ۲، ۷). استفاده شیخ مفید از آثار ابومخنف منحصر در همین

موارد نیست و همانطور که گفته شد با تطبیق مطالب *الارشاد* در بخش مربوط به واقعه کربلا یا گزارش‌های ابومخنف به آسانی می‌توان پی برد که بسیاری از اخبار آن برگرفته از کتاب *مقتل الحسین*علیه‌السلام ابومخنف به واسطه شاگردش هشام کلبی است.

درمجموع، گزارش شیخ مفید از وقایع عاشورا یکی از مهمترین و دقیق‌ترین گزارش‌هاست و با توجه به ویژگی‌های کتاب *الارشاد*، و مؤلف آن قابل استناد و بهره برداری است.

۳.۳. *اَللُّهوف / المَلهُوف علی قَتلی الطُّفوفِ*

کتاب «*اللهوف علی قتلی الطفوف*» (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۲۲، ۲۲۳) اثری است از سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ه.ق) (ر.ک: کمونه حسینی، ۱۳۸۸: ۱، ۱۰۷؛ و نیز قمی، ۱۴۲۹: ۱، ۳۹۲)، که پیرامون شرح قیام امام حسین‌علیه‌السلام از حرکت ایشان از مدینه، حوادث روز عاشورا تا بازگشت اسرا به وطن است.

این کتاب به عربی نوشته شده و به جهت اهمیتی که داشته، به فارسی ترجمه شده است. کتاب مذکور برای اولین بار در دوره صفویه و بوسیله عالمی به نام سید بهاءالدین مختاری ترجمه شد و از آن زمان تاکنون ترجمه‌های دیگری برای آن نگاشته شده است(ر.ک: تجلیل و همکاران، ۱۳۸۶: ۴).

کتاب در چند بخش سامان یافته است: مقدمه‌ای شامل مطالبی درعظمت واقعه عاشورا، مقام امام حسین‌علیه‌السلام، ارزش گریه و عزاداری برامام‌علیه‌السلام و انگیزه نگارش کتاب. نخستین مسلک، با ولادت امام حسین‌علیه‌السلام آغاز شده و پس از آن، بدون بیان تاریخ زندگی امام‌علیه‌السلام درزمان پدر و برادر، به سراغ سخنرانی ایشان درمکه رفته و سپس به داستان شهادت« قیس بن مصهر» و ماجرای دیدار امام‌علیه‌السلام با تعدادی از افرادی که در طول مسیر به امام‌علیه‌السلام پیوستند و سخنرانی‌های ایشان می‌پردازد.

آغاز فصل یا مسلک دوم «*لهوف*» سخنرانی امام‌علیه‌السلام در کربلاست. برخورد مقتدرانه حضرت عباس‌علیه‌السلام با شمر، شوخی و بذله گویی اصحاب در شب عاشورا، سخنرانی امام علیه‌السلام، توبه« حر»، برگزاری نماز ظهر عاشورا بوسیله امام‌علیه‌السلام، شهادت تعدادی از

هاشمیون، مطالب مسلک دوم را تشکیل می دهد.

ابن طاووس مسلک سوم را با خاکسپاری شهدا آغاز کرده و پس از آن، به خطبه حضرت زینب علیهاالسلام، امام سجاد علیه‌السلام و ام‌کلثوم می پردازد. وی دراین قسمت خطبه‌های امام سجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیهاالسلام در شام و کوفه و هم‌چنین خطبه‌های فاطمه دختر امام حسین علیه‌السلام را در کوفه به تفصیل نقل کرده که در برخی مقتل‌های دیگر با اختصار به آن‌ها اشاره شده است. این قسمت، از نقاط قوت کتاب به شمار می رود؛ چون این خطبه‌ها بیانگر ماهیت حرکت اهل بیت علیهم‌السلام است و متأسفانه در بیشتر مقتل‌ها ذکر نشده است.

روایات این کتاب مانند بسیاری از دیگر کتب تاریخی به صورت مرسل بوده و تنها آخرین راوی و یا آخرین کتابی که از آن نقل شده، ذکرشده است. با این وجود، مؤلف از نقل مطالب اغراق‌آمیز که در کتب مشابه بوده خودداری کرده است. با توجه به شخصیت مؤلف و نیز هماهنگی بسیاری از مطالب ذکرشده با نقل‌های دیگر، این کتاب در مجموع از مقاتل معتبر و قابل استناد به شمار می‌آید.

از ویژگی‌های دیگراین کتاب، اختصار نویسی و تدوین مناسب تاریخی وقایع مربوط به عاشوراست. او درباره اختصارنویسی در این کتاب می‌گوید: «با توجّه به این‌که زائران، فرصت کم دارند، رشته سخن را کوتاه نموده و به طور اختصار بیان کرده‌ام و همین اندازه کافی است که درهای اندوه را به روی خواننده باز و افراد با ایمان را رستگار سازد و در قالب این الفاظ، حقایق ارزنده‌ای نهاده‌ایم» (ر.ک: ابن طاووس، بی تا: ۱۱).

مؤلف هدف خود را در مقدمه این کتاب چنین بیان می کند:« وقتی *مصباح الزائر و جناح المسافر* را نوشتم، دیدم این کتاب اغلب زیارت نامه‌ها و برگزیده اعمال شبانه و روزانه را در خود دارد و هر کس این کتاب را داشته باشد از کتاب *مصباح* که در این وقت معمول بود، بی نیاز است و دوست داشتم هر کس این کتاب را دارد از حمل مقتل عاشورا نیز بی نیاز باشد، پس این کتاب را به اختصار نوشتم تا ضمیمه *مصباح الزائر* باشد و در آن، فشرده مطالب را آوردم به‌اندازه‌ای که مناسب وقت کوتاه زائران باشد.» (ر.ک: همان).

با توجه به این عبارات به خوبی پیداست که ابن طاووس کتاب را نه به عنوان یک اثر

تاریخی، بلکه برای کسانی نوشته است که می‌خواهند به زیارت حایر حسینی علیه‌السلام بروند.

این کتاب هم‌چنین مطالبی منحصربه فرد دارد که پیش‌تر در مقاتل نیامده است، مانند نامه امام علیه‌السلام به بنی هاشم (ر.ک: همان: ص ۶۵) و هم‌چنین خبر دادن آن حضرت از شهادتش و تحلیلی صوفیانه نسبت به شبهه هلاکت نفس (ر.ک: همان: ص ۲۵) که بعد از او در برخی کتاب‌ها آمده است.

شاید بتوان گفت علت وجود گزارش‌های خاص این است که کتابخانه شیخ طوسی در اختیار او بوده است. باید به این نکته توجه کرد که شیخ طوسی کتابی با عنوان *مقتل الحسین* داشته است (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۲۲، ۲۷)، که متأسفانه اثری از آن موجود نیست و می توان نتیجه گرفت که به احتمال فراوان ابن طاووس از آن بهره برده است و این برغنای کار او و ورود برخی اخبار در *لهوف* تأثیرگذار بوده است. بی شک اقبال به این کتاب هم ناشی از شخصیت ممتاز معنوی و اخلاقی نویسنده و هم برگرفته از ویژگی‌های این کتاب است.

از جمله گزارش‌های منحصربه فرد آن است که اهل بیت علیهم‌السلام در روز اربعین به کربلا رسیدند. البته خود ابن طاووس نخستین کسی است که در کتاب *اقبال الاعمال* (ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۱۸: ۳، ۱۰۰) این خبررا بعید دانسته و آمدن اسیران را در روز اربعین به کربلا انکار می کند. مسئله بازگشت اسیران به کربلا در روز اربعین نخستین بار در *لهوف* (ر.ک: ابن طاووس، بی تا: ۱۹۶) و بعد از آن در *مثیرالاحزان* (ر.ک: ابن نما حلی، ۱۳۶۹: ۸۶)آمده است. در صورتی که اکثر منابع تاریخی و روایی بازگشت اهل بیت علیهم‌السلام را به مدینه نقل کرده‌اند؛ شیخ مفید در *مسار الشیعه* (ر.ک: مفید، بی تا: ۴۶)، و علامه حلی در عدد *القویه* (ر.ک: حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۹) بازگشت به مدینه را تصریح کرده‌اند و محدث نوری (ر.ک: نوری، بی تا: ۱۴۹ - ۱۶۲)، محدث قمی (ر.ک: قمی، بی تا:۱ ،۷۸۵)، شهید مطهری (ر.ک: مطهری، بی تا: ۱۷، ۷۸) نیز از کسانی هستند که بازگشت به کربلا را در اربعین غیرممکن می دانند. شهید قاضی طباطبایی، در این باره کتابی نگاشته و کوشیده است ثابت کند که بازگشت اهل بیت علیهم‌السلام به کربلا در روز اربعین، ممکن بوده است (ر.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳).

۴.منابع قابل پژوهش

در میان منابع متأخر، کتاب‌هایی وجود دارد که در آن‌ها مطالبی است که قابل پژوهش و بررسی است. البته در اتقان و استناد، هم ردیف منابع قابل استناد که در بالا گفته شد، نیستند؛ با این وجود خالی از مطالب مهم و قابل بررسی هم نیستند. در ادامه تعدادی از این منابع معرفی می‌گردند:

۱.۴. *مُثیرالأحزان وَمُنیرسُبل الأشجان*

این کتاب، کتابی است در مصایب واقعه عاشورا که به تناسب، از تاریخ و زندگی امام حسین علیه‌السلام نیز سخن گفته است. کتاب را عالم دینی شیعی، نجم الدین جعفربن محمد بن جعفربن هبة الله بن نماحلی، معروف به ابن نماحلی (متوفای ۶۸۰ ق) تألیف کرده است (ر.ک: امین، بی تا: ۴، ۱۵۶). این کتاب در کتاب‌های شیعه تأثیر فراوان داشته است و به آن استناد شده و حتی یکی از منابع *بحارالانوار*، *منتهی الآمال* و دیگر کتاب‌های علمای شیعه درباره قیام امام حسین علیه‌السلام است.

کتاب قریب صد صفحه و دارای مطالب متفاوتی است. بخشی از مطالب ابن اعثم به صورت فشرده در وقایع قبل از روز عاشورا و برخی از مطالب ابن سعد در وقایع بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام و بدون استناد به منبعی، در این کتاب ذکر شده است؛ البته در مورد وقایع روز عاشورا، این کتاب در اغلب مطالب با منابع ابومخنف موافق است، بدون این که سند روایات و منبع آن را یاد کند. در این کتاب همچون *لهوف* گزارش‌هایی وجود دارد که در هیچ کدام از منابع قبلی نبوده است و با توجه به این‌که سال وفات او بعد از سید بن طاووس است بعید نیست که او در سبک نگارش و برخی گزارش‌ها از *لهوف* استفاده کرده باشد.

مؤلف انگیزه خود را از این تألیف چنین بیان می‌کند:« چون بعضی کتب مقاتل بسیار طولانی بود و در مقابل بعضی بسیار مختصر، این کتاب را که حد وسطی از کتب دیگر است نوشتم.» (ر.ک: ابن نما، ۶:۱۳۶۹).

سبک نگارش او به گونه‌ای است که فقط به بیان روایات تاریخی پرداخته و تحلیلی

از خود ارائه نمی‌دهد و در مقام پژوهش درباره علل و عوامل این نهضت نیست. وی گزارش مقتل را به صورت ذکر یک جریان منسجم با سبکی داستان پردازی شده آورده و اسناد روایات را به طور کامل ذکر نکرده است.

این اثر شامل مقدمه‌ای در فضایل اهل بیت پیامبرﷺ و ذکر مصایب آن بزرگواران بوده و دارای سه مقصد به ترتیب زیر است:

مقصد اول: گزیده‌ای از زندگی نامه امام حسینعليه‌السلام و سیر تحولات تاریخی در بوجود آمدن حادثه کربلا از حرکت امام از مدینه تا ورود به کربلاست. مقصد دوم: وقایع روز عاشوراست تا شهادت امامعليه‌السلام و آغاز اسارت اهل بیتعليهم‌السلام. در پایان این مقصد روایاتی در پیشگویی شهادت امامعليه‌السلام و واقعه عاشورا آمده است. مقصد سوم: بازگشت اسیران را از شام در بردارد. در این قسمت خطبه‌های امام زین‌العابدین عليه‌السلام و سایر اهل بیتعليهم‌السلام در کوفه، شام و... ذکر شده است.

۲.۴. *اخبار الطوال*

در *اخبار الطوال*، ابوحنفیه دینوری(م ۲۸۲ق) (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۱، ۳۳۸)، گزارشی توصیفی از قیام و شهادت امام حسینعليه‌السلام ارائه کرده است (ر.ک: دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹ -۲۶۹). او متن بسیاری از سخنانی که در کربلا رد و بدل شده مثل خطبه‌های امام عليه‌السلام و یاران ایشان را یاد نکرده است. هم‌چنین حوادث کوفه و شام را نیز بسیار مختصر و کوتاه بیان کرده است.

منبع دینوری معلوم نیست، ولی استخوان‌بندی کلی با آن‌چه طبری از *مقتل* ابومخنف روایت کرده مطابقت دارد و از آن جا که ابومخنف در بیان حوادث خبره بوده و پایه‌گذار تاریخ نگاری در عراق است، به طور طبیعی دینوری که حدود یک و نیم قرن بعد از او می‌زیسته، از روایاتش بهره برده است. البته تعدادی از مطالب ابومخنف به ویژه در مورد وقایع عاشورا در روایت دینوری وجود ندارد و در برخی موارد نیز روایت دینوری با روایت ابومخنف تفاوت‌هایی دارد(ر.ک: حسینی، ۱۳۸۶: ۶۸ -۷۱).

۳.۴. *تاریخ یعقوبی*

احمد بن ابی یعقوب، معروف به یعقوبی(م ۲۸۴ق) (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، بی تا: ۳، ۲۹۶)، در کتاب تاریخ خود، جریان قیام امام حسین علیه‌السلام را به صورت بسیار مختصر و توصیفی گزارش کرده است. گزارش وی با این که بسیار کوتاه است با روایت ابومخنف هم خوانی زیادی دارد؛ از این رو محتمل است که وی براساس *مقتل* ابومخنف، گزارش توصیفی خود را سامان داده باشد؛ البته تفاوت‌های اندکی هم دیده می‌شود. از جمله ویژگی های خاص این کتاب آن است که یعقوبی اولین فردی است که به توصیف بدون نام از حضور و شهادت طفل رضیع در روز عاشورا پرداخته است و پس از او این واقعه بصورتی تکمیل شده در آثار بعدی دیده می‌شود (ر.ک: یعقوبی، بی تا: ۲، ۲۴۳ ـ ۲۴۷).

۴.۴. *تاریخ الامم و الملوک*

محمد بن جریر طبری(م ۳۱۰ق) (ر.ک: حاجی خلیفه، بی تا: ۱، ۲۹۷)، در تاریخ کتاب تاریخی خود *الامم و الملوک*، در خصوص وقایع عاشورا سه روایت آورده است (ر.ک: طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۳۴۷)؛ نخست روایت عمار دُهنی، سپس روایت حصین و در پایان، روایت ابومخنف به روایت هشام کلبی؛ که در هر سه مورد مطالب را با سند کامل، روایت کرده است.

مقتل ابومخنف مهم‌ترین بخش روایت طبری را تشکیل می دهد. وی تمام روایات ابومخنف را به روایت هشام بن سائب کلبی روایت کرده و به نظر می رسد که طبری از روی نوشته هشام، *مقتل* ابومخنف را در تاریخ خود نوشته است؛ زیرا طبری به طور مستقیم از هشام نقل می کند، و با توجه به این‌که وفات هشام در سال ۲۰۴ یا ۲۰۶ هـ.ق و تولد طبری در سال ۲۲۴ هـ.ق بوده است، ممکن نیست که طبری به طور شفاهی و مستقیم از هشام روایت کرده باشد.

نقل طبری، کامل ترین نقل از *مقتل* ابومخنف است و بعید است چیزی از آن فرو گذار شده باشد؛ در حوادث مربوط به شام که ابومخنف کمتر به آن پرداخته، طبری چند روایت از هشام نقل می کند.

مهم‌ترین ویژگی *تاریخ طبری* این است که روایات مختلف را بدون این که در مورد آن‌ها داوری کند، گرد آورده است و این کار باعث شده که بسیاری از روایات و گزارش‌های تاریخی، صحیح و یا غلط از خطر نابودی نجات یافته، به دست ما برسد.

۵.۴. *الفتوح ابن اعثم*

یکی از مهم‌ترین و مفصل‌ترین گزارش‌ها از واقعه قیام امام حسین علیه‌السلام، گزارش ابن اعثم کوفی (م ۳۱۴ هـ.ق) (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، بی تا: ۳، ۲۲۰)، در کتاب تاریخ خود به نام *الفتوح* است. این گزارش، مفصل و در چهارچوب *مقتل* ابومخنف است (ر.ک: ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۴، ۳۲۲ –۳۵۳ و نیز، ۵، ۱–۱۴۰) و گاه الفاظ و عبارات آن‌ها نیز یکسان است؛ اما در برخی موارد افزوده‌ها، کمبودها و تفاوت‌هایی با آن دارد.

ابن اعثم منابع خود را ذکر نکرده، به همین دلیل معلوم نیست مطالب خود را از متن دیگران فراهم کرده است یا روایت راویان؛ اما آن چه از بررسی و مقایسه مطالب *الفتوح* با *مقتل* ابومخنف به دست می آید این است که وی همان روایت ابومخنف را از زبان داستان پردازی نقل کرده بی آن که بداند آن روایت از ابومخنف است و همین موجب کم توجهی به این کتاب شده‌است. البته از آن جهت که این کتاب در قرون اولیه نوشته شده قابل توجه و بررسی است و گزارش‌هایی دارد که می توان نسبت به آن پژوهش‌های مفیدی انجام داد.

۶.۴. *مقاتل الطالبیین*

ابوالفرج اصفهانی(م ۳۵۷ ق) (ر.ک: امین، بی تا: ۸، ۱۹۸)، کتابی درباره کشته‌شدگان خاندان ابوطالب؛ یعنی، فرزندانِ امام علی علیه‌السلام، جعفر و عقیل دارد که به *مقاتل الطالبیین* و *مقاتل آل ابی طالب* شهرت دارد. این کتاب به سبب جامعیت و دقتی که در نقل اخبار داشته مورد استناد و اعتماد مؤلفان بسیاری قرار داشته است. ابوالفرج هدف از تألیف این کتاب را فراهم آوردن شرحی کوتاه از چگونگی زندگی و مرگ فرزندان ابوطالب از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا زمان نگارش کتاب بیان می کند. البته او تنها اخبار طالبیانی را گرد آورده که مرگشان دلایلی سیاسی داشته، یا قیام‌هایی را روایت کرده که

هدف آنان اجرای عدالت بوده است (ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۲۴).

این کتاب با شرح حال جعفربن ابی طالب در زمان پیامبرﷺ آغاز می‌شود و سپس به دوران بنی امیه و بنی عباس تا دوران المتقدر بالله پرداخته و نام علویان را زیر نام خلیفه‌ای که در آن زمان حکم می‌رانده، آورده است. مؤلف، نخست نام کامل و نسب فرد را می‌آورد و گاه نام مادران وی را تا جدّ اعلی نقل می‌کند. وی در پایان روایات، معمولاً اشعاری را که در رثا یا مدح آن فرد سروده شده- که گاه متجاوز از صد بیت است- ذکر می‌کند.

مؤلف در کتاب خود بابی به مقتل حسین بن علی علیه السلام و مسائل پیرامونی آن اختصاص داده است و درباره آن بحث مبسوطی می‌کند (ر.ک: همان: ۸۴ -۱۲۲). گزارش *مقاتل الطالبیین*، گزارشی ترکیبی است؛ زیرا وی روایت ابی‌مخنف را از طریق نصربن مزاحم و ابوالحسن مداینی با روایت عمار دهنی و روایاتی از جابر جعفی با هم ترکیب کرده و روایت خود را سامان داده است و خود نیز این مطلب را تصریح می کند (ر.ک: همان)، بنابراین روایت او، روایت نقل به معناست.

کتاب به شیوه روایی و بر اساس روایات محدثان شیعی و کوفی تدوین شده است. ولی از آنجا که مؤلف بنای بر رعایت اختصار داشته، گاه همه اسناد مربوط به اخبار را ذکر نمی‌کند. ابوالفرج با گردآوری همه منابع مربوط به خاندان ابوطالب و افزودن بسیاری از مقاتل قابل دسترس دیگر، کتاب جامعی را برای این منظور تدوین کرد. کتاب *مقاتل الطالبیین* و به ویژه گزارش آن از وقایع عاشورا، به سبب جامعیت و نیز دقتی که در نقل اخبار آن صورت گرفته، مورد استناد و استفاده مؤلفان بسیاری واقع شده است.

نگارش این کتاب در سال ۳۱۳ هـ.ق به پایان رسیده است. این کتاب اولین بار بوسیله جواد فاضل با عنوان *فرزندان ابوطالب* ترجمه گردید. ترجمه دیگر این کتاب بوسیله سید هاشم رسولی محلاتی صورت گرفته است.

۷.۴. مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی

خوارزمی(۴۸۴-۵۶۷ه.ق) (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۴۰ - ۵۴۶)، درباره فضایل

اهل‌بیت علیهم‌السلام کتابی نوشته که به *مقتل الحسین خوارزمی* معروف است. کتاب در دو جلد و پانزده فصل است. هرچند عنوان مقتل دارد، اما حدود دو سوم آن مباحث دیگر است. ثلث اول کتاب، شرح مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، ثلث دوم ماجرای کربلا و ثلث سوم درباره قیام مختار است. خوارزمی در کتاب خود شیوه حدیثی را پی گرفته و سلسله اسناد هر روایت را بیان می‌کند؛ برخی روایات او کوتاه و برخی بسیار مفصل و طولانی است.

مباحث مربوط به عاشورا، از *تاریخ* ابن اعثم نقل شده که احتمالاً غیر از کتاب *الفتوح* است (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۳ ،۲۲۰). تعدادی از روایاتی که در این کتاب نقل شده در منابع دیگر نیز وجود دارد؛ اما اغلب این روایات را نویسنده نه از کتاب، بلکه به نقل از محدّثان و همان‌طور که گفته شد با ذکر سند روایت کرده است.

خوارزمی روایت و گزارش‌هایی را که در این کتاب آورده، تلقی به قبول کرده است. وی ظاهراً تنها در جایی (ر.ک: خوارزمی، ۱۴۲۳: ۲، ۴) به ضعف یک روایت، آن هم از قول دیگری، اشاره کرده است و در باقی موارد، به بررسی و نقد سند و یا متن روایت‌ها، نپرداخته است و البته اختصاصاتی نیز در بیان برخی روایات دارد (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۶: ۱۸۴ - ۱۸۹).

نقل مطالب از منبعی کهن چون کتاب *الفتوح* یا *تاریخ ابن اعثم* و موضع غیرشیعی وی، از دیگر امتیازات این اثر است؛ این کتاب با آن‌که نویسنده‌ای غیرشیعی دارد (ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۵ ش، ج۲، ص ۷۲۵ -۷۲۸)، اما در میان شیعیان جایگاهی یافته و مؤلفان امامی مذهب، از قدیم، روایات او را در کتاب خود آورده‌اند.

این کتاب پس از *الاربعین* (کتاب دیگر همین نویسنده)، نوشته شده است، زیرا خوارزمی در جاهایی از کتاب، خواننده را به کتاب یاد شده، ارجاع می دهد (ر.ک: خوارزمی، ۱۴۲۳: ۱، ۴۰ و نیز۱، ۸۵). آن چه با عنوان اصلی کتاب؛ یعنی، مقتل تطبیق دارد، تنها فصل یازدهم است که در چاپ رایج آن، در جلد اول از صفحه ۳۱۵ تا ۳۵۸ و در جلد دوم از ابتدا تا صفحه ۹۱ قرار دارد؛ این فصل، حدود ۱۵۰ صفحه دارد، در حالی که مجموع کتاب، حدود ۶۰۰ صفحه است.

۵. منابع مستند معاصر

۱.۵. *نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم* علیه‌السلام

شیخ عباس قمی(۱۲۹۴-۱۳۵۹ ق)، سه کتاب به نام های *نفس المهموم* (۱۳۳۵ق)، *نفثة المصدور* (۱۳۴۲ق) و *منتهی الآمال* (۱۳۵۰ق)، درباره واقعه عاشورا نوشته، که دو کتاب اول مختص واقعه عاشورا و سومی، شرح حال ائمه علیهم‌السلام است که بخش مفصلی از آن اختصاص به امام حسین علیه‌السلام دارد.

محدث قمی این کتاب را به زبان عربی نگاشته است. وی در این کتاب و بنا بر گفته خود کوشیده است تا بر اساس کتاب‌های معتبر گذشتگان، کتابی معتبر بنگارد (ر.ک: قمی، بی تا: ۷). او در *نفس المهموم* از منابع متعددی استفاده کرده است. بیشتر مطالب این اثر، نقل قول هاست و مباحث تحلیلی و نقد و بررسی در آن، چندان به چشم نمی‌خورد. این کتاب دارای یک مقدمه، پنج باب که هر باب دارای فصل‌های متعدد است و یک خاتمه دارد.

مقدمه کتاب کوتاه و درباره ولادت امام حسین علیه‌السلام است. باب نخست درباره مناقب امام حسین علیه‌السلام، پاداش گریستن بر او، لعن بر کشندگان و اخباری درباره شهادت اوست. باب دوم، که مفصل‌ترین باب کتاب است، درباره قیام آن حضرت و شهادت او و یاران و خاندانش است و در آن، وقایع عاشورا با تفصیل بیشتر بیان شده است.باب سوم درباره حوادث پس از شهادت آن حضرت است؛ باب چهارم حوادث خارق العاده‌ای دارد که پس از شهادت حضرت، روی داده است؛ باب پنجم به فرزندان و همسران امام علیه‌السلام و پاداش زیارت او و تعرّض و ستم خلفا به قبر حضرت اختصاص یافته است.

به پیوست *نفس المهموم*، کتاب *نفثة المصدور فیما یتجدّد به حزن یوم العاشور* از همین مؤلف است که در آن بیشتر به مناقب امام حسین علیه‌السلام و یارانش پرداخته شده است (ر.ک: همان: ۵۵۳). در خاتمه کتاب ، مؤلف به پیروی از استادش، محدّث نوری در کتاب *لؤلؤ و مرجان*، اندرزهایی به اهل منبر و تعزیه خوانان داده است. تاریخ پایان نگارش کتاب، یازدهم ذی القعده ۱۳۴۲ هـ.ق است (همان:۶۲۶).

نفس المهموم، در سال‌های اخیر، با مقدمه سید احمد حسینی و تحقیق رضا استادی، چاپ شده است. این اثر به فارسی ترجمه شده است. نخستین ترجمه آن با حواشی و تعلیقات ارزشمند، به قلم میرزا ابوالحسن شعرانی با عنوان دمع السجوم فی ترجمة نفس المهموم چاپ شده است. ترجمه دیگر این کتاب به همراه نفثة المصدور، به قلم محمد باقر کمره‌ای با نام رموز الشهاده، چاپ شده است. افزون بر این، ترجمه اخیر با عنوان «در کربلا چه گذشت» نیز عرضه شده است.

نفس المهموم، یکی از گزارش‌های مفصل بوده و ویژگی های فراوانی دارد. در این کتاب منبع هر روایت و مطلب مشخص شده و مؤلف با قرار دادن رمز برای هر کتاب، منبع کلام خود را نشان می دهد. فصل بندی آن نیز قابل توجه است که کمی به کتاب‌های معاصر شباهت دارد. ویژگی دیگر این است که درباره اشخاص، مکان‌ها و گزارش ها، توضیحات سودمندی داده است. گفتنی است مؤلف در برخی موارد و در پاورقی، برخی روایات را نقد و نظراتی بیان کرده است.

همانطور که گفته شد محدث قمی روایات و مطالب را از منابع متعدد برگرفته است، اما این مطالب را به گونه‌ای در کتابش آورده که هیچ یک قابل تشخیص و بیگانه از هم نیست. معمولا وقتی از منابع مختلف در یک اثر استفاده می‌شود، زبان متفاوت آثار حس می‌شود، اما در این اثر این‌گونه نیست. از دیگر ویژگی‌های این کتاب، پیوستگی مسیر حوادث کربلا و عاشوراست.

محدث قمی این کتاب را با رویکرد زدودن تحریفات و دروغ‌ها نوشته است. این کتاب بیشتر توصیفی است تا تحلیلی؛ البته باید گفت اگر نویسنده قصد تحلیل داشت قطعاً توانایی این‌کار را به بهترین شکل داشته است، اما قصدش از نگارش این کتاب، اثری پیراسته بوده است تا به عنوان یک مقتل خوانده شود و از همین رو نحوه نگارش آن به صورت مقتل‌خوانی است و این‌که اقوال گوناگون را آورده، قصدش این بوده تا با آوردن اسناد بتوان قول درست را یافت.

این کتاب اثری خوشخوان است و خواننده را به دست‌انداز نمی‌افکند و مخاطب را با زندگی امام حسین علیه‌السلام آشنا می کند و از بهترین و کامل ترین منابع و مقاتل عاشوراست.

۲.۵. *منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل*

شیخ عباس قمی این کتابِ دو جلدی را با زبانی ساده، مختصر و با استفاده از منابع معتبر دربارهٔ فضایل، مناقب و حوادث دوران زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام و به زبان فارسی نگاشته است. همچنین محدث قمی در تکمله *منتهی الآمال*، کتاب تتمة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء را نگاشت که به تاریخ خلفای بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اختصاص دارد و در مقدمه آن نیز انگیزه خود را از تألیف این قسمت بیان می کند (ر.ک: قمی، بی تا: ۱، ۱) تاریخ پایان نگارش کتاب، شب ۲۳ رمضان سال ۱۳۵۰ قمری است (ر.ک: همان: ۲ ، ۷۶۵).

مؤلف در مقدمه کتاب، انگیزه اصلی خود از نوشتن *منتهی الآمال* را آن دسته از اخبار و روایاتی دانسته که احیای احادیث ائمه علیهم‌السلام و اولیای الهی و گریه بر مصایب آنان را از بزرگترین عبادات خوانده است (ر.ک: همان:۱، ۱۴).

این کتاب در واقع یک دوره تاریخ تحلیلی و مستند است و در چهارده باب تدوین شده است که هر باب، اختصاص به یک معصوم دارد. جلد نخست آن، از زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا زندگی امام حسین علیه‌السلام و جلد دوم از زندگی امام سجاد علیه‌السلام تا امام دوازدهم علیه‌السلام را شامل می‌شود.

باب پنجم (ر.ک: همان:۱، ۴۳۷ - ۷۴۲) که مربوط به امام حسین علیه‌السلام است، نسبت به باب‌های دیگر، حجیم‌تر است و حدود یک پنجم کتاب را دربر می‌گیرد. این باب دارای چهار مقصد و یک خاتمه و هر مقصد دارای چندین فصل است.

مقصد اول که چهار فصل دارد، درباره ولادت آن حضرت و برخی از مناقب وی و برخی از اخبار در خصوص ثواب گریستن بر حضرت و اخباری درباره شهادت وی است. مقصد دوم که دارای هفت فصل است، به قیام آن حضرت از آغاز تا ورود به کربلا و شهادت مسلم بن عقیل و دو کودکش پرداخته است. مقصد سوم (ر.ک: همان: ۱، ۵۲۷ -۶۲۹)، که پنج فصل دارد، از ورود امام حسین علیه‌السلام به کربلا تا شهادتش است. مقصد چهارم که دارای دوازده فصل است، به وقایع پس از شهادت امام علیه‌السلام و بردن اسرا به شام و کوفه و خطبه‌های امام سجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیهاالسلام و دیگران تا بازگشت

اهل‌بیت علیهم‌السلام به مدینه و نیز برخی از مراثی درباره آن حضرت و نیز معرفی فرزندان امام علیه‌السلام پرداخته است.

بخش خاتمه از این باب حاوی مطالبی از قبیل اهمیت برپایی مجلس عزاداری و انتقاد از وضعیت روضه‌خوانی و عزاداری و چنان که در *نفس المهموم* نیز نگاشته است، پند و اندرزهایی به اهل منبر و ذاکران مصایب امام حسین علیه‌السلام است.

با توجه به آن‌که این اثر، پس از *نفس المهموم* و *نفثة المصدور* و در دهه آخر زندگی مؤلف نوشته شده است، حاصل آخرین مطالعات، تأملات و بررسی‌های مولف، محقق و محدث آن است و از این حیث در زمانی نوشته شده است که نگارنده به پختگی کامل در تتبعات علمی خود دست یافته است. به همین دلیل از این نگاشته، استقبال بسیاری شده و تاکنون چاپ‌های متعدد و گوناگونی از آن عرضه شده است و بخش مقتل و زندگی امام حسین علیه‌السلام از کتاب *منتهی الآمال* به صورت جداگانه نیز منتشر شده است.

در سال‌های اخیر، یک چاپ سه جلدی با تصحیح و تحقیق ناصر باقری بیدهندی، منتشر شده که بهترین چاپ است. همچنین این کتاب تاکنون دو بار به عربی ترجمه شده است؛ ترجمه نخست آن را نویسنده سوری دکتر نادر التقی، و ترجمه دوم را سید هاشم میلانی انجام داده‌اند.

محدث قمی، در بیان مطالب غالباً منابع خود را نام برده و روایت‌های مختلف درباره یک واقعه را ذکر می کند؛ در چاپ اخیر که به همت باقری بیدهندی تصحیح شده، این منابع با ذکر آدرس دقیق، استخراج و در پاورقی ارائه شده است.

محدث قمی، در مقتل *منتهی الآمال*، پژوهش‌های فراوانی در تحریف‌زدایی از وقایع عاشورا دارد و در مجموع باید گفت که این بخش از کتاب، از بهترین و کامل‌ترین گزارش‌های عاشوراست و با توجه به ویژگی‌هایش، بهترین میزان در جهت شناسایی، تحقیق و پژوهش در این حوزه است و باید مطالب خارج از آن را با دیدی پژوهشی و نقادانه نگریست.

۶. منابع غیر معتبر

همان‌طور که در ابتدای نوشتار بیان شد، در کنار منابع معتبر، منابعی دیده می‌شود که از اتقان و استناد تاریخی و روایی برخوردار نیستند و شناسایی و معرفی این دسته از مقاتل، در تحریف‌زدایی و بیان واقعیات عاشورا، سهم بسزایی دارد. لذا، در ادامه به معرفی تعدادی از پرمراجعه‌ترین این دسته از منابع، پرداخته می‌شود.

۱.۶. *نور العین فی مشهد الحسین* علیه‌السلام

این مقتل منسوب به ابواسحاق اسفراینی است و این عنوان منصرف به ابراهیم بن محمد بن ابراهیم اسفراینی، فقیه شافعی و درگذشته به سال ۴۱۷ یا ۴۱۸ هجری است، اما هیچ یک از منابع کهن، تألیف چنین کتابی را در شرح حال او گزارش نکرده‌اند (ر.ک: ابن خلکان، بی تا: ۱ ، ۲۸ و نیز، ابن کثیر، بی تا: ۱۲ ، ۳۰). در میان کتاب‌شناسان متأخر، ابتدا اسماعیل پاشا البغدادی (ر.ک: بغدادی، ۱۹۵۱: ۱ ، ۸) و پس از او شیخ آقا بزرگ تهرانی (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۱۷، ۷۲ - ۷۳) این کتاب را به او منسوب داشته‌اند.

آن چه نظر اسماعیل بغدادی را کم اعتبار می‌کند، اشاره وی به مأخذ خود، *وفیات الاعیان* است، حال آن که چنین مطلبی در *وفیات الاعیان* وجود ندارد و بغدادی، خود در کتاب دیگرش، *ایضاح المکنون*، کتاب را بدون ذکر مؤلف آن معرفی کرده است (ر.ک: بغدادی، بی تا: ج ۲ ص ۶۸۵).

کتاب‌شناسان معاصری مانند سید عبدالعزیز طباطبایی معتقدند که این کتاب را بر اسفراینی بربسته‌اند؛ زیرا اسلوب و سبک آن با کتاب‌های تألیف شده در قرن چهارم، یعنی سال‌های تدریس و تألیف اسفراینی، همسان نیست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۵۵). نکته آخر آن که مطالب کتاب، بدون سند و مأخذ است و گاه چنان غیرمعتبر و دور از عقل است (ر.ک: اسفراینی، بی تا:۵؛۳۶؛۷؛۳۷؛۴۱) که تألیف آن را از سوی یک فقیه دانشمند، بعید می‌سازد.

۲.۶. *روضة الشهدا*

کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی(م ۹۱۰ هـ.ق)، مبتکر سبک قصه‌پردازی و

پردازش پندگونه از وقایع تاریخی است. او که سنی یا شیعه بودنش معلوم نیست، شیفته اهل بیت علیهم‌السلام بود و برای جذب عوام، حوادث تاریخی بویژه، حادثه عاشورا را با نثری دلپسند به داستان درآورد و در این میان مطالب معتبر و غیرمعتبر و مستند و بدون سند را با هم درآمیخت. سبک جدید، فارسی بودن و انگیزه مؤلف برای خواندن کتاب در مجالس عزا، موجب شد تألیف کاشفی، نه یک اثر تاریخی، که یک اثر تبلیغی و حتی تخیّلی شمرده شود.

متأسفانه عدم توجه به این مطلب، قرائت و استنساخ متکرر آن، تا آن جا که سخنرانان مجالس سوگواری امام حسین علیه‌السلام را، «روضه خوان» نامیدند (ر.ک: مطهری، بی تا: ۱۷، ۹۴)، زمینه ورود بسیاری از اطلاعات نادرست این کتاب را به فرهنگ عاشورا فراهم ساخت.

مصحّح و حاشیه نگار کتاب، میرزا ابوالحسن شعرانی نیز در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، به این موضوع اشاره کرده است: «از نقل ضعیف در *روضة الشهدا* عجب نباید داشت، چون در ادای مقصود واعظ، قوی است، اگر چه برای مقصود مورّخ کافی نیست» (ر.ک: ری شهری، ۱۳۸۷: ۸۹؛ به نقل از مقدمه روضة الشهدا: ۶)

پیش از شعرانی، میرزا عبدالله افندی، همکار عالم و کتابشناس علامه مجلسی، اکثر روایات این کتاب و بلکه همه آن را مأخوذ از کتب غیرمشهوره و غیرقابل اعتماد دانسته (ر.ک: افندی، ۱۴۰۱: ۲، ۱۹۰)، سید محسن امین نیز این سخن را تأیید نموده است (ر.ک: امین، بی تا: ۶، ۱۲۲). محدّث نوری برخی گزارش‌های کتاب را بدون پشتوانه تاریخی خوانده (ر.ک: نوری، بی تا: ۱۹۳) و شهید مطهری آن را پر از دروغ، و تألیف و نشر این کتاب را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین علیه‌السلام دانسته است (ر.ک: مطهری، بی تا: ۱۷، ۹۴). شهید قاضی طباطبایی نیز مطالب آن را در مقام تعارض با مقاتل معتبر، ساقط و بی‌ارزش می‌داند (ر.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳۶).

۳.۶. *المنتخب فی جمع المراثی و الخطب*

فخرالدین بن محمد علی بن احمد طریحی(م ۱۰۸۵هـ.ق) مؤلف مجمع البحرین،

مجموعه‌ای از احادیث و مراثی درباره امام حسین علیه السلام و برخی دیگر از امامان علیهم السلام را گرد آورد و به قصد گریاندن مؤمنان و تشویق به سوگواری، آنها را به صورتی داستانی و عامه پسند سامان داد.

المنتخب تاریخ نگاری علمی زندگی یا قیام امام حسین علیه السلام نیست، اکثر مطالب کتاب بدون ذکر مأخذ و احادیث آن به صورت مرسل آمده و قوی و ضعیف در آن به هم درآمیخته است. از این رو آن را متناسب با هدف و شیوه مؤلف، *المجالس الطریحیه* و یا *المجالس الفخریه* نیز نامیده‌اند. ضعف دیگر کتاب، اختلافات موجود در نسخه‌های متفاوت آن است که می‌تواند نشانگر تصرّفات بعدی در آن باشد (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۲۲ ،۴۲۰).

محدّث نوری، *منتخب طریحی* را مشتمل بر مطالب موهون و غیر موهون می‌داند (ر.ک: نوری، بی تا: ۱۹۳). شهید مطهری نیز اخبار آن را مشتمل بر مطالب موهون می داند (ر.ک: مطهری، بی تا: ۱۷، ۵۹۸).

۴.۶. *محرق القلوب*

این کتاب، نوشته ملا مهدی نراقی(م ۱۲۰۹ هـ.ق) است. او با اقتباس از *روضة الشهدا*، به عرضه مطالبی دست زد که به گونه‌ای شورانگیز، عواطف و احساسات مردم را به سوی واقعه کربلا سوق دهد، اما چون مأخذ نراقی، *روضة الشهدا*، کتابی ضعیف و مخلوط از مطالب درست و نادرست بود، نوشته او نیز بر اخبار ضعیف و غیر معتبر مشتمل گشت.

نراقی خود به ضعیف بودن برخی گزارش‌های کتابش تصریح کرده (ر.ک: صحتی، ۱۳۸۴: ۴۰۶؛ به نقل از مقدمه محرق القلوب) و از این رو مورد انتقاد برخی از عالمان پس از خود قرار گرفته است. محدث نوری، با ابراز شگفتی از تألیف چنین کتابی از جانب آن عالم بزرگ، برخی مطالب آن را منکر نامیده است (ر.ک: نوری، بی تا: ۱۶۳). شهید مطهری، نراقی را فقیه بزرگی خوانده ولی او را در تاریخ عاشورا، صاحب اطلاع نمی‌داند و برخی مطالب او را نقد کرده است (ر.ک: مطهری، بی تا: ۱۷، ۷۷). گفتنی است انتساب کتاب به نراقی، مشهور است و تردیدی در آن وجود ندارد (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۴ ،

۴۶۱؛ ۲۰ ، ۱۴۹؛ ۲۱ ، ۳۵۹؛ و نیز، بغدادی، بی تا: ۲ ، ۴۴۳)، اما محتمل است که آن را در اوایل سنّ تحصیل و پیش از رسیدن به مراتب کمال علمی، نوشته باشد.

۵.۶ .اکسیرالعبادات فی اسرار الشهادات؛ «اسرار الشهاده»

آغا بن عابد دربندی شیروانی مشهور به فاضل دربندی(م ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶هـ.ق)، از نویسندگانی است که افزون بر رشته تخصصی خود، فقه، در دیگر رشته‌ها، مانند تاریخ عاشورا نیز کتاب نوشت. او با جمع اخبار قوی و ضعیف و به قصد حل اختلاف و تحلیل آنها یکی از بزرگ‌ترین نگاشته ها را درباره واقعه عاشورا سامان داد. او شیفته امام حسین علیه‌السلام بود، اما به دلیل استفاده از منابع ضعیف در کنار منابع اصلی و نقل برخی گزارش‌های بدون سند نتوانست مقتل معتبری ارائه دهد.

او هم چنین مبنای نادرستی برگزید و براساس آن از کتاب‌هایی که مشتمل بر اخبار مظنون الکذب بودند نیز نقل کرد. مبنای او این بود که نشانه‌های کذب هرچند به درجه ظنّ برسد، مانع نقل نیست و نقل چنین اخباری در بیان سیره و تاریخ، بی اشکال است. محدّث نوری، یکی از منابع ضعیف دربندی را نسخه مجهول و پر از دروغ هایی می‌داند که سید عربِ روضه خوان برای کسب تأیید نزد عالمان نجف آورده و سپس به دست دربندی می‌رسد. نسخه‌ای که به گفته محدث نوری، از کثرت اشتمال بر اکاذیب واضحه و اخبار واهیه احتمال نمی‌رود که از تألیفات چنین عالمی باشد (ر.ک: نوری، بی تا: ۱۶۸).

سخن محدّث نوری را بسیاری از عالمان دیگر تأیید کرده‌اند و بسیاری از نقل‌های نادرست و غیر قابل باور کتاب را به عنوان گواه ارائه کرده‌اند. از آن میان می توان به اقوال شیخ ذبیح الله محلاتی (ر.ک: محلاتی، بی تا: ۳، ۲۷۲)، سید محسن امین (ر.ک: امین، بی تا: ۲، ۸۸)، شیخ آقا بزرگ تهرانی (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۲، ۲۷۹) اشاره نمود.

۶.۶. ناسخ التواریخ

میرزا محمدتقی سپهر، مشهور به لسان الملک(م ۱۲۹۷ هـ.ق)، از شاعران و منشیان دربار قاجار است. او در کنار کار دیوانی، مأمور شد تا کتابی را درباره تاریخ جهان از

آدم علیه‌السلام تا آن زمان، بنگارد. کتابی که همه آن‌چه را گفته‌اند و امکان وقوع دارد و محال نیست، در خود جای دهد هر چند دور از ذهن باشد. او این تفصیل را در بخش مربوط به امام حسین علیه‌السلام حفظ کرده و از این رو« هر قصّه را که در کتب معارف مورّخین و محدّثین» دیده، آورده است (ر.ک: ری شهری، ۱۳۸۷: ۹۴؛ به نقل از ناسخ التواریخ، ۱ ، ۳۷۸).

او هر چند، گاه به گاه به نقد پاره‌ای منقولات دست می‌یازد، اما خود نیز اشتباهات تاریخی دارد و مطالب ضعیف به کتابش راه یافته است و از این رو با وجود استفاده اهل منبر و مرثیه از آن، نمی‌توان متفردات آن را معتبر دانست. شهید قاضی طباطبایی اشتباهات آن را فراوان دانسته و محتویات بدون مدرک آن را قابل اعتماد ندانسته است (ر.ک: قاضی طباطبایی؛ ۱۳۸۳: ۹۷). شهید مطهری نیز هرچند مؤلّف را متدین خوانده، اما تاریخش را چندان معتبر ندانسته و برخی از اشتباهات تاریخی او را گوشزد کرده است (ر.ک:مطهری، بی تا: ۱۵، ۱۴و ۳۵؛ و نیز، مطهری، بی تا: ۱۷، ۲۵۶).

۷. مقتل نگاری‌های جامع

در سال‌های اخیر، مجموعه‌های با ارزشی نگاشته شده است که مؤلفین آن‌ها، تلاش کرده‌اند تا با در کنار هم قرار دادن تمامی‌گزارش‌ها و منابع معتبر، ضمن تطبیق آن‌ها و شناسایی گزارش‌های دقیق، مستند و واقعی، کتاب‌هایی را تدوین نمایند که علاوه بر تحریف زدایی از واقعه عاشورا، منبعی معتبر برای محقیق و مبلغین باشد. در ادامه، به دو اثر از این مجموعه‌ها اشاره می‌گردد:

۱.۷ . *الصحیح من مقتل سیدالشهداء علیه‌السلام و اصحابه*

این کتاب، بخشی از مجموعه سترگ و بی نظیر چهارده جلدی *دانش‌نامه امام حسین* علیه‌السلام تالیف آقای ری شهری و همکاران وی است که در سال‌های اخیر، بوسیله انتشارات دارالحدیث منتشر شده است. از آنجا که بخش‌های مرتبط با قیام، مقتل و عزای امام حسین علیه‌السلام ، بیشتر از سایر مباحث مربوط به زندگی و شخصیت آن حضرت مورد توجه عام و خاص به ویژه خطبا و مرثیه خوانان بوده است، لذا گزیده‌ای از این

مباحث تحت عنوان «*شهادت‌نامه امام حسین*علیه‌السلام» به فارسی منتشر گردید.

پس از آن، بخش‌های مرتبط با قیام عاشورا و مقتل به طور کامل و تحت عنوان «*الصحیح من مقتل سید الشهدا و اصحابه*» به زبان عربی منتشر گردید. انتخاب واژه «الصحیح» در عنوان این کتاب به این جهت است، که در این کتاب به مانند مجموعه اصلی «*دانش‌نامه امام حسین*علیه‌السلام»، تلاش شده تمام گزارش‌های حدیثی و تاریخی که به آن‌ها استناد شده از منابع معتبر و قابل قبول باشد.

این کتاب مشتمل بر هشت بخش است که بخش‌های آن عبارتند از: بخش اول: أبحاث هامة حول ملحمة عاشوراء؛ بخش دوم: الحیاة العاءلیة؛ بخش سوم: الانباء بشهادة الامام الحسین بن علی علیه‌السلام؛ بخش چهارم: خروج الامام علیه‌السلام من مدینة حتی نزوله کربلاء؛ بخش پنجم: وصول الامام علیه‌السلام إلی کربلاء حتی شهادته؛ بخش ششم: بعد شهادة الإمام علیه‌السلام؛ بخش هفتم: صدی واقعة شهادة الامام الحسین علیه‌السلام و مصیر من له دور فی قتل الامام علیه‌السلام و أصحابه؛ بخش هشتم: إقامة مأتم الحسین علیه‌السلام و ذکر مصائبه و البکاء علیه.

این کتاب به جهت این‌که تمامی مقاتل گذشته را با نگاهی تطبیقی و پژوهشی مورد ارزیابی قرار داده است و هم به جهت استناد سازی گزارش‌های استفاده شده از هر منبع در ذیل هر عبارت، ارزشمند و شایسته است. در این کتاب تمامی مطالب راجع به قیام سید الشهدا علیه‌السلام، راجع به شهادت افراد، راجع به وقایع دهه عاشورا و وقایع روز عاشورا، اسارت اهل بیت علیهم‌السلام را از کتاب‌های کهن و معتبر بیان شده است.

از دیگر ویژگی‌های این کتاب، کار گروهی آن است که به غنای مطالب و پژوهش‌ها کمک کرده است. تنظیم مناسب فصول و بخش‌ها و ارائه مطالب به صورت سیر تاریخی و متناسب با وقایع عاشورا بر دقت و قابل استفاده بودن این کتاب افزوده است. چاپ اول این کتاب، به زبان عربی و ۱۴۷۹ صفحه در مرداد ماه ۱۳۹۰ از سوی انتشارات دارالحدیث، به زیور طبع آراسته شد.

۲.۷. *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهدا* علیه‌السلام

دوره دو جلدی «*تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء* علیه‌السلام» پژوهشی در قلمرو تاریخ عاشوراست که با تلاش گروهی از تاریخ پژوهان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله و زیر نظر مهدی پیشوایی تالیف شده است. هدف اصلی این کتاب ارائه گزارش جامع و مستند از تاریخ قیام عاشورا برای پویندگان علمی کشور به ویژه طلاب و خطباست.

در نخستین جلد این کتاب، ضمن پرداختن به معنای لغوی و اصطلاحی مقتل، مسیر تاریخی مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از قرن دوم تا پانزدهم و قرن حاضر و نیز سیری در ادوار زندگی و شخصیت امام حسین علیه‌السلام ارائه شده است.

موضوع شهادت امام حسین علیه‌السلام در گفتار اهل بیت علیهم‌السلام، فضیلت گریستن و عزاداری بر امام حسین علیه‌السلام و تحلیل آن، فلسفه قیام عاشورا و بیان مشهورترین دیدگاه‌ها درباره فلسفه قیام کربلا از عناوین طرح شده در این بخش است. ترسیم شخصیت و حکومت معاویه و مواضع امام حسین علیه‌السلام در برابر حکومت او و مبارزات سیاسی آن حضرت، حوادث بعد از مرگ معاویه، فعالیت‌های امام حسین علیه‌السلام در ایام اقامت در مکه، ساختار سیاسی - فرهنگی کوفه و خروج امام حسین علیه‌السلام از مکه، دیگر موضوعات جلد اول این کتاب است. در بخش آخر جلد اول نیز حوادثی چون ورود امام علیه‌السلام به کربلا تا روز عاشورا، رویدادهای روز عاشورا و تبیین نحوه شهادت امام علیه‌السلام و یارانش و حوادث پس از شهادت امام علیه‌السلام بیان شده است.

دومین جلد این کتاب به پیامدهای تکوینی، اجتماعی و سیاسی پس از عاشورا می‌پردازد. بیان مباحثی پیرامون نهضت عاشورا که پژوهشی در اربعین سیدالشهدا علیه‌السلام، فلسفه عزاداری و سیر تاریخی عزاداری برای امام علیه‌السلام و واقعه عاشورا در آینه تاریخ از مباحث مطرح شده در این بخش است. بخش انتهایی شرح حال و زندگی‌نامه اصحاب امام حسین علیه‌السلام را در بر دارد. پایان این کتاب بیش از ۳۰ سوال و شبههٔ مبتلا به، مطرح و پاسخ آن‌ها مستدل بیان شده تا جلوی بسیاری تحریفات عاشورایی گرفته شود.

پژوهش‌های انجام شده در این کتاب، بسیار قابل توجه و کاربردی است. تطبیق

منابع معتبر و کهن، دقت در استناد روایی و تاریخی گزارش‌ها، فصل بندی مناسب و منظم وقایع، پرداختن به مباحث پیرامونی در نهضت عاشورا و کار گروهی بوسیله تعدادی از تاریخ پژوهان، از ویژگی‌های این کتاب است.

۸- نتیجه

بررسی جامع، همه جانبه و مستند وقایع عاشورا از آن رو که به فهم درست سیره امام علیه‌السلام، حوادث آن واقعه، فلسفه قیام و اثرات آن می‌انجامد، ضروری است؛ این جامع‌نگری و مستندسازی تنها با پژوهش‌های علمی و روشمند تحقّق می‌یابد.

ظرفیت گسترده فرهنگی واقعه عاشورا و جایگاه ویژه آن در جهان اسلام، ایجاب می‌کند که موضوع نهضت حسینی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل مطرح در مکتب تشیّع، بوسیله توانمندترین دانشمندان و کارشناسان، مورد تحقیق و تدقیق قرار گیرد و نخبگان آشنا با قرآن، حدیث و تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، ضمن جمع‌آوری، جمع‌بندی و ارزیابی گزارش‌های تاریخی، ابعاد متنوّع و آموزنده این حماسه سرشار از هدایت، عزّت و سعادت را تبیین و تفسیر نمایند.

گِره خوردن مراسم عزاداری سیّد الشهداء علیه‌السلام با معیشت شُماری از مردم، سبب شده است که در بسیاری از مجالس عزاداری امام حسین علیه‌السلام، تحریک عواطف مردم، جایگزین تبیین اهداف بلند نهضت حسینی گردد و بدین سان، نه تنها بازار گزارش‌های ضعیف و بی‌ریشه که جنبه عاطفی آن‌ها قوی و خلاف شأن و منزلت اهل بیت علیهم‌السلام است، رونق یابد، بلکه به تعبیر شهید مطهّری، افرادی با تکیه بر منطق طرفداران دیالکتیک و با این استدلال که «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»، راه را برای جعل و دروغ در مرثیه سرایی، هموار می نمایند (ر.ک: مطهری، بی تا: ج ۱۷، ص ۶۰۵).

با توجه به مطالبی که در این نوشتار ارائه شد، باید با دقت فراوان در استفاده از منابع و مصادر مربوط به واقعه عاشورا، نسبت به شناسایی منابع مستند و غیر مستند و گاهی مجعول و بی محتوا تلاش کرد و با ارائه یک سیر منطقی و کارشناسی شده در خصوص گزارش‌ها و روایت‌ها، پژوهش‌های لازم در این حوزه را وزین و متقن نمود.

باید افزود در شناسایی منابع مهم علاوه بر حساسیت و دقت در شخصیت مؤلف، گزارش‌های او نیز باید مورد بررسی رجالی و فقه الحدیثی قرار گیرد. از جمله بهترین، مهم‌ترین و مستندترین گزارش‌های عاشورا، مقتل ابومخنف و بازیابی آن کتاب وقعه الطف است که تقریباً همه آثار پسین از آن بهره برده‌اند. مقتل الحسین علیه‌السلام کتاب الارشاد شیخ مفید، لهوف سید بن طاووس نیز از جمله مهمترین و متقن ترین منابع متقدم است. در کنار این منابع کهن و مهم، می توان نفس المهموم و منتهی الآمال محدث قمی را که جزء بهترین، کامل‌ترین و دقیق‌ترین گزارش‌هاست، نام برد. در سال های گذشته نیز مقتل نگاری های جامع، همچون الصحیح من مقتل سیدالشهداء علیه‌السلام و اصحابه آقای ری شهری و همکاران و کتاب تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء علیه‌السلام مهدی پیشوایی و همکاران، جزء کارهای مفید و دقیقی بوده است که با جمع آوری، تطبیق و پژوهش در خصوص منابع و مقاتل گذشته، نگاشته شده است.

منابع:

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن. (بی تا). ***الذریعه الی تصانیف الشیعه***. بیروت: دارالاضواء.

۲. ابن اعثم الکوفی، محمد بن علی. (۱۴۱۱هـ.ق). ***الفتوح***. تحقیق: علی شیری. چاپ اول. بیروت: دارالاضواء.

۳. ابن خلکان، شمس الدین. (بی تا). ***وفیات الاعیان***. (بی جا).

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۸هـ.ق). ***الاقبال باعمال الحسنه فیما یعمل مرة بالسنة***. تصحیح: جواد قیومی اصفهانی. چاپ دوم. قم: التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.

۴. _______________. (بی تا). ***اللهوف***. تهران: جهان.

۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل. (بی تا). ***البدایة و النهایه***. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۶. ابن نما حلی، نجم الدین. (۱۳۶۹هـ.ق). ***مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان***. نجف: منشورات المطبعه الحیدریه.

۷. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۴۱۹هـ.ق). ***مقاتل الطالبیین***. تحقیق: سیداحمد صقر. چاپ سوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

۸. ابومخنف، لوط بن یحیی. (۱۴۱۷هـ.ق). ***وقعة الطف***. تصحیح: محمدهادی یوسفی غروی. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارت اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۹. اخطب خوارزم، موفق بن احمد. (۱۴۲۳هـ.ق). ***مقتل الحسین*** علیه‌السلام. تحقیق: محمد سماوی. چاپ دوم. قم: دار انوار الهدی.
۱۰. اسفراینی، ابواسحاق. (بی تا). ***نورالعین فی مشهد الحسین*** علیه‌السلام. تونس: مکتبه المنار.
۱۱. افندی، عبدالله بن عیسی. (۱۴۰۱هـ.ق). ***ریاض العلماء و حیاض الفضلاء***. محقق: احمد حسینی اشکوری. قم: مطبعة الخیام.
۱۲. امین، محسن. (بی تا). ***اعیان الشیعه***. تحقیق: حسن امین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۳. بغدادی، اسماعیل پاشا. (بی تا). ***ایضاح المکنون***. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. ـــــــــــــــــ. (۱۹۵۱م). ***هدیة العارفین***. مصحح: محمد مهدی خراسان. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۵. بهایی، محمد بن حسن. (۱۴۲۹هـ.ق). ***مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین***. تحقیق: مهدی رجایی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۶. تجلیل، جلیل و همکاران. (۱۳۸۶ش). ***نخستین مترجم لهوف***. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. تهران: دانشگاه تهران. شماره ۱۸۳. ص ۴.
۱۷. جعفریان، رسول. (۱۳۷۵ش). ***تاریخ تشیع در ایران***. چاپ اول. قم: انصاریان.
۱۸. ـــــــــــــــــ. (۱۳۸۱ش). ***تأملی در نهضت عاشورا***. چاپ اول. قم: انصاریان.
۱۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (بی تا). ***کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون***. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۰. حسینی، سیدعبدالله. (۱۳۸۶ش). ***معرفی و نقد منابع عاشورا***. ویراستار: سیدعلیرضا واسعی. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. حلی، رضی الدین. (۱۴۰۸هـ.ق). ***العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه***. تحقیق: مهدی رجایی. چاپ اول. قم: کتابخانه آیت ا... مرعشی نجفی.
۲۲. دینوری، احمد بن داود. (۱۳۶۸ش). ***اخبار الطوال***. تحقیق: عبدالمنعم عامر. قم: منشورات الرضی.
۲۳. ری شهری، محمد. (۱۳۸۷ش). ***فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهدا*** علیه‌السلام. چاپ اول. تهران: مشعر.
۲۴. شرف الدین، عبدالحسین. (بی تا). ***مؤلفوا الشیعه فی صدر الاسلام***. تصحیح: احمد حسینی اشکوری. بغداد: مکتبة الاندلس.
۲۵. صحتی سردرودی، محمد. (۱۳۸۴). ***عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین*** علیه‌السلام. ویراستار: عبدالعدل حسین خواه. چاپ اول. قم: خادم الرضا علیه‌السلام.
۲۶. طباطبایی، عبدالعزیز. (۱۴۱۷هـ.ق). ***اهل البیت*** علیهم‌السلام ***فی المکتبة العربیه***. چاپ اول. قم: آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

۲۷. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷هـ.ق). ***تاریخ الامم و الملوک***. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. چاپ دوم. بیروت: دار التراث العربی.

۲۸. قمی، عباس. (۱۴۲۱هـ.ق). ***نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم***علیه‌السلام. چاپ اول. قم: المکتبة الحیدریه.

۲۹. مطهری، مرتضی. (بی تا). ***مجموعه آثار(حماسه حسینی)***. تهران: صدرا.

۳۰. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۲ش). ***الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

۳۱. ______________. (بی تا). ***مسار الشیعه فی مختصر التواریخ الشیعه***. تحقیق: مهدی نجف. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.